

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه - کابل

۲۶ جون ۲۰۲۰



حق دزد و دستور سربریدن



این که در کتاب حق چگونه تعریف شده است به کنار، در عمل دو محک اصلی برای شناخت حق و حقوق داریم: یک نفع خود و دوم منفعت خودی‌ها. در وضعیتی که ما زندگی می‌کنیم هرآنچه خارج از منفعت خود ما و منافع خودی‌های ما باشد، حتی اگر حق هم خوانده شود، رعایت نخواهد شد.

زندگی حق است اما نه برای هر موجود زنده. زندگی اول برای خود ما حق است، بعد برای دوستان، همسایگان، همراهان، همکیشان و همانندان ما. بز زنده است ولی حق زندگی ندارد، دشمن زنده است اما حق زندگی برایش قایل نیستیم. پیچیدگی این نگاه خودمحور به حق اما در این است که جز خود ما هر انسان دیگری به صورت بالقوه دشمن است و ممکن ما حق حیات و سایر حقوق هرکسی جز خود را در شرایط مختلف ضایع‌شدنی بدانیم.

دولت و قانون برای تعدیل این تعریف خودخواهانه از حق، خلق شده است به این امید که فضای مصون برای "خود" تک تک ما به وجود آید.

با توجه به این دوگانگی نفع بی‌واسطه و فوری (شخصی) و نفع غیرمستقیم و درازمدت (اجتماعی) ما در واکنش به فایل صوتی وزیر داخله سابق که در آن دستور سرزدن و اعدام صحرائی داده شده، دچار سردرگمی و نفاق می‌شویم. تعدادی

از هموطنان، به خصوص آنانی که از اختطاف و دزدی آسیب دیده‌اند و یا اکنون از بی‌ثباتی و ناامنی در خوف و خطر می‌باشند، آن صدای خشن و دستور قتل را فرمان آرامش‌بخش از گلوی یک وزیر وطن‌دوست و شجاع می‌یابند و کسانی که بین جنگ و ناامنی از یکسو و دساتیر فراقانونی و صحرایی از سوی دیگر ارتباط قایل‌اند، آن فایل صوتی را سند ناکارایی دولت و روش کار جهادی-بانندی وزیر می‌دانند.

از شنیدن آن صدا برای من نیز احساس دوگانه دست داد. از یکسو چون زیرچتر این حکومت زندگی می‌کنم، با شنیدن صدای آقای "صالح" به صورت غریزی احساس خوشی برایم دست داد و گفتم کاش کل دستگاه حکومت در برابر اختطاف‌چی‌ها، تروریستان، قاچاقبران و دزدان این‌گونه جدی عمل کنند. اما، فوراً هوش جمعی‌ام هشدار دارد که نخیر! از کجا می‌دانی آن دستور به هدف جلوگیری از اختطاف صادر شده باشد؟ از کجا می‌دانی اگر حتی آن دستور برای سربریدن دشمن مسلح و قاتلِ درسنگر صادر شده باشد، از سوی مجریان (پولیس) درست تطبیق شود و وسیله زورگویی و تسویه حساب‌های شخصی، قبیله‌ئی، قومی و مذهبی هم نشود؟ در ذهن هر یکی از ده‌ها هزار افسر پولیسی که باید فرمان بکشید و سرشان را به وزارت بفرستید را اجرا می‌کردند، دشمن هزاران نوع دارد و ممکن آنان حتی به بریدن سر دشمنان همدیگر در داخل صفوف پولیس هم نرسند.

به همین دلیل حتی وقتی فرمان اعدام صحرایی و سربریدن را از زبان رهبر و قهرمان ما می‌شنویم شاد نشویم و خطر را احساس کنیم. برای امنیت افغانستان باید از سرکوب تمایلات خشونت‌خواهی خود شروع کنیم. حس کشتن و سربریدن را در خود سرکوب کنیم. دزد نباید درجا سربریده شود، اختطاف‌چی نباید درجا کشته و جسدش دور انداخته شود. در چهل سال گذشته دیدیم یا شنیدیم که "دشمن" با سربریدن کم نشد، ناامنی افزایش یافت و آقای "صالح" و حزبش که یکی از ماهرترین‌ها در اعدام و ترور تیرباران بوده‌اند، حتی خانه و قریه‌خود را امن نتوانسته‌اند.

در حکومت افغانستان حس انتقام جونی و سرکوب کم نیست. در بیست سال گذشته، این حکومت ماشین بسیار فعال کشتار بوده است. این حکومت ده‌ها هزار انسان را هر سال سربریده یا اعدام صحرایی و تیرباران و بمباران کرده است، و صدها هزار نیروی جوان و پر از خشم و کین را در سراسر کشور با تسلیحات مدرن و حمایت جهانی مثل لشکر داس در مزرعه، بی‌وقفه دوانده است.

چیزی که کم داریم دید جمعی و مسؤولانه به امنیت "خود جمعی" ماست. وزیران و مأموران بلندپایه دیگر منفعت "خود جمعی" را با یک لحظه قهرمان‌نمایی فردی، چند پله خیز شخصی در قدرت، چند جریب زمین بیشتر و چند بندل دالر تازه، دوامدار آسیب زده‌اند. برای ساختن سیستمی که همه از جمله خود انتقام‌جوی ما را کنترل کند، نکوشیده‌ایم بیشتر مقامات دولتی از محاکمه‌دزد هم‌حزبی خود جلوگیری کرده‌اند، برای توجیه جنایت هم‌قبیله خود زحمت کشیده‌اند و از خشونت هم‌سنگر خود تقدیر کرده‌اند.

اگر می‌خواهیم از شر این وضعیت چهل‌ساله رهائی پیدا کنیم، باید شیوه بدل کنیم. مثل "خاد" گروهی به پولیگون نفرستیم، مثل مجاهد صحرایی اعدام نکنیم، مثل طالب کورکورانه منفجر نکنیم، مثل "صالح" دستور سربریدن ندهیم و مثل "غنی" هزار هزار و بدون محاکمه رها نکنیم.

برای دزد هم حق قایل شویم، چون نه هیچ دزد با دزد دیگری مشابه است و نه تضمینی وجود دارد که خود شما روزی در چشم "صالح" دزد جلوه کنید. برای حفظ جان خود سربریدن "دزد" را تشویق یا توجیه نکنیم.

نوت: کارتون را از سایت دیپوزیت فوتوز دات کام گرفته‌ام.